

مسیر لوله اصلی انتقال نفت و مسائل پیرامونی آن برگزار شد.

در مقاله حاضر نخست توان تولید و صادرات کشورهای حوزه دریای خزر را ترسیم می‌کنیم و سپس به بررسی راه‌های مختلف انتقال نفت این کشورها به اروپا و خاور دور می‌پردازیم.

قزاقستان

قزاقستان از غنی‌ترین کشورهای جهان از لحاظ منابع نفت می‌باشد. این کشور که با مساحتی معادل ۲/۶ میلیون کیلومتر مربع، بعد از روسیه دومین کشور بزرگ به جا مانده از شوروی سابق محسوب می‌شود، تنها نزدیک به ۱۷ میلیون نفر جمعیت دارد و زیر ساخت ارتباطی در آن بسیار ضعیف است. ۸۵ درصد مساحت این کشور از بیابانهای گسترده و کوهستانهای صعب‌العبور تشکیل می‌شود.

ذخائر مُسَلَّم نفتی قزاقستان ۲۲ میلیارد بشکه (۳ میلیارد تن) است و منابع ممکن نفتی آن نزدیک به ۹۵ تا ۱۱۷ میلیارد بشکه (۱۳ تا ۱۶ میلیارد تن) تخمین زده می‌شود. گرچه تولید نفت در این کشور پس از فروپاشی شوروی، نخست رو به کاهش گذاشت، اما قزاقستان در سالهای اخیر سطح تولید خود را مجدداً افزایش داده و تولید نفت را از ۲۵/۳ میلیون تن در سال ۱۹۹۴ به ۲۷ میلیون تن در سال ۱۹۹۷ رسانده است. بنابه نظر کارشناسان و با توجه به جلب روزافزون سرمایه خارجی در صنایع نفت قزاقستان، ارزیابی محتاطانه تولید نفت در سالهای آتی در قزاقستان در جدول (۱) آمده است:

سال	میزان تولید روزانه (میلیون بشکه)	میزان تولید سالانه (میلیون تن)
۱۹۹۸	۰/۶۱	۳۰/۵
۱۹۹۹	۰/۷	۳۵/۰
۲۰۰۰	۰/۷۹	۳۹/۵
۲۰۱۰	۱/۵	۷۵/۰

منبع: INTERNATIONAL ENERGY AGEN- CY (AEA) 1998

تولید نفت قزاقستان در سال ۲۰۱۰ می‌تواند تا مرز ۱۵۰ میلیون تن نیز برسد. پیش‌بینی میزان مصرف داخلی نفت قزاقستان در جدول (۲) آمده است.

کشف منابع عظیم نفت و گاز در حوزه دریای خزر بر اهمیت اقتصادی و سیاسی منطقه آسیای میانه در اقتصاد و سیاست بین‌الملل افزوده است. ذخائر مُسَلَّم نفتی دریای خزر به تنهایی بین ۱۲ تا ۱۵ میلیارد تن (۸۷ تا ۱۱۰ میلیارد بشکه) می‌باشد.^۱ کارشناسان وجود ۲۷ میلیارد تن (۲۰۰ میلیارد بشکه) نفت را در دریای خزر ممکن می‌دانند.^۲

منابع گاز آسیای مرکزی بین ۶/۷ تا ۹/۲ تریلیون متر مکعب تخمین زده می‌شود که کارشناسان وجود ۸ تریلیون متر مکعب دیگر، یعنی تا مرز ۱۷/۲ تریلیون متر مکعب گاز را نیز ممکن می‌دانند. کشورهای حوزه دریای خزر می‌توانند تا پایان دهه آینده روزانه بین ۳ تا ۵ میلیون بشکه نفت تولید کنند که در مقایسه با تولید روزانه ۶ میلیون بشکه نفت در دریای شمال، اهمیت ژئواکونومیک منطقه بیشتر آشکار می‌شود.

به رغم وجود منابع عظیم نفت و گاز، مشکل اساسی کشورهای حوزه دریای خزر عدم دسترسی آنها به آبهای آزاد است. تنها راه انتقال منابع نفت و گاز این کشورها در سابق از طریق خطوط لوله روسیه بوده است ولی با فروپاشی شوروی سابق و تمایل این کشورها به عدم وابستگی به روسیه، اکنون مسئله انتقال نفت و گاز شکل حادی برای این کشورها یعنی قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان شده است.

این کشورها از لحاظ کسب درآمد ارزی وابستگی شدیدی به صادرات این مواد خام دارند و عملاً رشد اقتصادی خود را در سالهای آینده در سایه فروش مواد خام کشور خود در بازارهای جهانی امکان‌پذیر می‌بینند. تنها آذربایجان ۷۵ درصد درآمد ارزی خود را از صدور نفت تأمین می‌کند.

برگزاری کنفرانسهای متعدد بین‌المللی در زمینه راههای انتقال نفت دریای خزر و تلاشهای دیپلماتیک جدی برای پیشبرد طرحهای گوناگون مربوط به خطوط لوله مؤید اهمیت نفت این منطقه می‌باشد. تنها در سال ۱۹۹۸، ۴۱ کنفرانس بین‌المللی در هوستون آمریکا (فوریه)، آلمانی قزاقستان (مارس)، تهران (آوریل) و استانبول با شرکت کارشناسان برجسته جهانی در مورد تعیین

نفت دریای خزر و نقش ژئواکونومیک ایران در بازار جهانی انرژی

دکتر رضا اصغری

در سال (تقریباً ۵۶۰ هزار بشکه در روز) ۱۵۰۰ کیلومتر طول خواهد داشت و هزینه تخمینی این پروژه بالغ بر ۲/۱ میلیارد دلار می باشد، که باید سهامداران به طور مشترک آن را تأمین نمایند. افزایش ظرفیت این خط لوله و رساندن آن به سطح ۱/۳ میلیون بشکه در روز (۶۷ میلیون تن در سال) در پایان دهه آتی، هزینه ای معادل ۴/۵ میلیارد دلار در بر خواهد داشت.

● ذخایر مسلم نفتی

دریای خزر به تنهایی بین ۸۷ تا ۱۱۰ میلیارد بشکه است و کارشناسان وجود ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت را در این دریا ممکن می دانند، منابع گاز آسیای مرکزی نیز بین ۶/۷ تا ۹/۲ تریلیون متر مکعب تخمین زده می شود و لی کارشناسان وجود ۱۷/۲ تریلیون متر مکعب گاز را نیز در این منطقه ممکن می دانند.

گرچه طبق طرحهای اولیه، این خط لوله بایستی در نوامبر ۱۹۹۹ آماده بهره برداری باشد اما عملاً به دلیل وجود اختلافات بین مدیریت روسی CPC و شرکت شورون، که مهمترین سهامدار غربی کنسرسیوم است، در ماه آوریل سال ۱۹۹۸ اعلام گردید که خط لوله CPC تا پیش از سال ۲۰۰۱ آماده نخواهد شد. کارشناسان نفتی بر این عقیده اند که حتی احتمال دارد که خط لوله مذکور تا این تاریخ نیز به بهره برداری نرسد. با توجه به اهمیت انتقال نفت و با تکیه بر این نکته که پروژه CPC به گندی پیش می رود، دولت قزاقستان به طور جدی در پی یافتن راههای دیگری جز خط لوله CPC می باشد. در این رابطه دو خط لوله دارای اهمیت استراتژیک می باشند:

۱) خط لوله تنگیز-باکو-جیهان

۲) خط لوله ترکمنستان-ایران (خارک یا جاسک)
خط لوله نخست حوزه نفتی تنگیز را، واقع در شمال دریای خزر، از بستر این دریا به باکو در آذربایجان متصل می کند و سپس از طریق گرجستان به شمال ترکیه و از آنجا به بندر مدیترانه ای جیهان واقع در جنوب ترکیه امتداد می یابد. این خط لوله ۴۰۰ کیلومتری دارای ظرفیتی معادل ۵۰ میلیون تن در سال و هزینه احداث آن حداقل ۴ میلیارد دلار خواهد بود. این خط لوله از ۴ کشور عبور می کند و از همین رو حق ترانزیت آن برای قزاقستان زیاد است. همچنین نگرانیهای جدی زیست محیطی در مورد کشیدن خط لوله در زیر دریای خزر وجود دارد. وجود حفاریهای گسترده در بستر دریای خزر از طرف کشورهای آذربایجان، روسیه و قزاقستان و وجود چاههای نفت متعدد در این دریا، خط لوله نخست که به خط لوله ماوراء خزر (Trans Caspian) نیز معروف است، می تواند یک فاجعه زیست محیطی به بار بیورد.

علاوه بر نکات ذکر شده، ظرفیت کشتی هایی که

سال	مصرف سالانه (میلیون تن)
۱۹۹۰	۳۹/۱
۱۹۹۵	۱۰/۲
۱۹۹۶	۸/۸
۲۰۱۰	۲۰/۳۰

با توجه به ارقام تقریبی تولید و مصرف داخلی نفت قزاقستان در دهه آینده، انتظار می رود که این کشور در پایان دهه آتی سالانه بین ۶۰ تا ۱۲۰ میلیون تن نفت صادر کند. این رقم معادل ۱/۲ میلیون تا ۲/۴ میلیون بشکه نفت در روز می باشد.

با توجه به این واقعیت که قزاقستان، با وجود پهنای بودن، راهی به آبهای آزاد ندارد، چگونگی رساندن نفت این کشور به بازارهای اروپا و آسیای دور در دستور روز دولت قزاقستان قرار گرفته است.

از سال ۱۹۹۲ قزاقستان به کمک دولت عمان و روسیه و چندین شرکت نفتی غربی، بویژه شورون، دست به تشکیل کنسرسیوم خطوط لوله خزر (Caspian Pipeline Consortium = CPC) زده است که هدف آن احداث خط لوله از حوزه نفتی تنگیز در شمال دریای خزر، به بندر روسی نووروسیسک در دریای سیاه می باشد. به دلیل اختلافات موجود در مورد میزان سهام هر یک از اعضا در کنسرسیوم، عملاً موافقتنامه CPC در سال ۱۹۹۷، ۵ سال تأخیر، به تصویب کلیه اعضا کنسرسیوم رسید. بر اساس این موافقتنامه، سهم اعضای کنسرسیوم به قرار جدول (۳) می باشد:

میزان سهم (درصد) سهامدار	
دولت روسیه	۲۴
کازاخ اویل (شرکت نفت قزاقستان)	۱۹
کمپانی شورون (آمریکائی)	۱۵
کمپانی مختلط لوک آرکو (متشکل از کازاخ اویل و آمو کوی آمریکائی)	۱۲/۵
کمپانی موبیل (آمریکائی)	۷/۵
دولت عمان	۷
کمپانی اوریکس (آمریکائی)	۱/۷۵

خط لوله CPC با ظرفیت اولیه ۲۸ میلیون تن

گرچه آذربایجان در گذشته بیشتر محصولات تصفیه شده نفت را به کشورهای مجاور خود یعنی ارمنستان، گرجستان و روسیه صادر می کرد اما امروز در پی آن است که با افزایش تولید نفت خام به صدور آن به بازارهای جهانی بپردازد.

آذربایجان نیز همچون قزاقستان با مشکل جدی عدم دسترسی به دریاهای آزاد روبروست. تنها وسیله ممکن برای رساندن نفت این کشور به اروپا، تاکنون خطوط لوله روسیه (موسوم به دروژبا) بوده است که دارای ظرفیت محدودی می باشد و با فروپاشی شوروی، عمده ظرفیت آن به روسیه تعلق گرفته است.

بنا به تخمینهای کارشناسان، آذربایجان در سال ۲۰۰۰ قادر به صدور ۳ تا ۸ میلیون تن نفت در سال (۶۰ هزار تا ۱۶۰ هزار بشکه در روز) خواهد بود. با انجام سرمایه گذاریهای پیش بینی شده و گسترش عملیات حفاری و استخراج نفت و با احتساب مصرف داخلی، آذربایجان تا سال ۲۰۱۰ توانایی صادرات سالانه ۳۰ میلیون تن نفت، معادل ۶۱۲ هزار بشکه در روز را خواهد داشت.

سوکار^۳، که نقش شرکت ملی نفت آذربایجان را ایفا می کند، به طور جدی به دنبال یافتن راههای صدور نفت این کشور به بازارهای جهانی می باشد. تاکنون طرحهای انتقال نفت آذربایجان به بندر روسی نووروسیسک و به بندر گرجی سوپسا، هر دو در دریای سیاه، مورد مطالعه قرار گرفته اند.

بامطرح شدن خط لوله باکو-جبهان در جنوب ترکیه، آذربایجان از این طرح حمایت کرده و اخیراً به تلاشهای دیپلماتیک گسترده ای برای تحقق این طرح، دست زده است.

ترکمنستان

ذخائر نفتی ترکمنستان بسیار محدود است و در بهترین حالت این کشور تنها می تواند نیازهای داخلی خود را در سالهای آتی رفع نماید. بنا به تخمینهای کارشناسان، ترکمنستان در سال ۲۰۰۰ روزانه قادر به تولید ۱۰ هزار بشکه و در سال ۲۰۱۰ روزانه ۱۲۶ هزار بشکه خواهد بود که با احتساب مصرف داخلی آن کشور، عملاً ترکمنستان تنها صادرکننده کوچک نفت خواهد بود.

اهمیت ترکمنستان در جهان انرژی به دلیل منابع عظیم گاز طبیعی این کشور است. ذخائر گاز ترکمنستان بین ۵ تا ۱۵ تریلیون متر مکعب تخمین زده می شود. ترکمنستان چهارمین کشور تولید

در بندر جبهان به مقصد خاور دور بارگیری می کنند محدود است زیرا امکان عبور سوپر تانکرها در کانال سوئز وجود ندارد. هزینه ساخت خط لوله دوم، موسوم به گاز ایران Kaz Iran، ۱/۳ میلیارد دلار برآورد می شود و طول آن به مراتب کمتر از خط لوله نخست می باشد. همچنین امکان احداث این خط لوله با سرعت بیشتری میسر است، زیرا در برخی از مسیرها می توان از خطوط لوله موجود ایران استفاده نمود. علاوه بر آن هیچگونه ممانعتی بر سر راه عبور تانکرهای بزرگ نفت در دریای عمان وجود ندارد.

گرچه قزاقستان مطالعاتی نیز روی انتقال نفت از طریق افغانستان به پاکستان و دریای عمان انجام داده است، اما به دلیل جنگ در افغانستان عملاً این طرحها ارزش عملی ندارند.

آذربایجان

آذربایجان سابقه ای طولانی در استخراج و صدور نفت دارد. این کشور در دهه ۱۹۴۰ میلادی ۷۵ درصد نفت شوروی سابق را تأمین می نمود ولی با کشف نفت در مناطق اورال و سیبری، سهم نفت آذربایجان در کل نفت تولیدی شوروی سابق کاهش یافت.

ذخیره نفتی قطعی آذربایجان ۱۷/۵ میلیارد بشکه، معادل ۲/۵ میلیارد تن می باشد. ۹۵ درصد ذخائر نفتی آذربایجان در دل دریای خزر نهفته است که از چاههایی با عمق ۲۰۰ متر در بستر دریا استخراج می شود.

پس از فروپاشی شوروی سابق تولید نفت در آذربایجان کاهش یافته است. صنایع نفت این کشور فرسوده و قدیمی است ولی با جلب سرمایه گذاری خارجی امرنوسازی تکنولوژی حفاری و استخراج نفت، در دستور کار قرار گرفته است. جدول (۴) تولیدات نفت آذربایجان را در سالهای گذشته نشان می دهد:

پیش بینی تولید نفت آذربایجان در سالهای آتی در جدول (۵) آمده است:

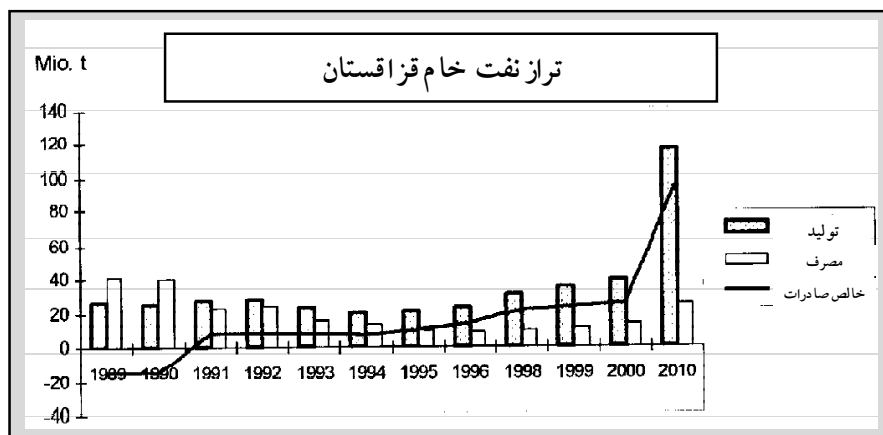
جدول (۵)		
تولید	تولید سالانه	سال
هزار بشکه در روز	(میلیون تن)	
۳۱۳	۱۵/۷	۱۹۹۹
۳۷۶	۱۸/۸	۲۰۰۰
۹۰۰	۴۵/۰	۲۰۱۰

● با توجه به کم هزینه تر بودن انتقال نفت از طریق ایران و با توجه به این امر که خط لوله ای که از خاک ایران می گذرد به دلیل امکان استفاده از خطوط لوله موجود ایران در برخی مسیرها با سرعت بیشتر و هزینه کمتری نسبت به دیگر راههای پیشنهادی قابل احداث است و خطرات زیست محیطی نیز به همراه ندارد و نیز با تکیه بر این نکته که حمل نفت از بنادر جنوبی ایران به کمک سوپر تانکرها میسر می باشد جذابیت اقتصادی خط لوله پیشنهادی ایران بیش از پیش آشکار می شود.

جدول (۴)

سال	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۸	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
تولید	۲۷۴/۱	۲۶۳/۲	۲۵۰/۲	۲۳۴/۸	۲۲۱/۶	۲۰۸/۶	۱۹۱/۲	۱۸۳/۲	۱۸۱/۵	۱۸۰/۴

(هزار بشکه در روز)



● درآمد ارزی ایران از محل دریافت حق ترانزیت نفت، در یک تخمین محتاطانه و با احتساب عبور روزانه ۸۰۰ هزار بشکه نفت از خط لوله پیشنهادی ایران به سالانه یک میلیارد دلار سرمایه‌زنده با توجه به تغییر پذیری تعرفه ترانزیت، درآمد حاصل می‌تواند به سهولت از این رقم هم فراتر رود.

تولید نفت کشورهای همجوار دریای خزر خواهد داشت. در صورت مشارکت جدی قزاقستان در احداث خط لوله Kaz Iran، آذربایجان به دشواری خواهد توانست از خط لوله باکو-جهان‌جانبداری کند.

درآمد ارزی حاصل از حق ترانزیت نفت در یک تخمین محتاطانه و با احتساب ۸۰۰ هزار بشکه در روز، که در میان مدت بر احتی قابل تحقق است، یک میلیارد دلار در سال برآورد می‌شود و با توجه به این نکته که تعرفه ترانزیت به عوامل متعددی بستگی دارد، درآمد حاصل از ترانزیت نفت می‌تواند به سهولت از رقم اشاره شده فزونی یابد.

در صورت عبور خط لوله اصلی نفت از ایران، موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران در منطقه و جهان به شدت تغییر خواهد کرد. اتحادیه اروپا برای حفظ منابع انرژی خود تلاش خواهد کرد روابط نزدیکی با ایران داشته باشد. در این چارچوب قابل تصور است که اتحادیه اروپا پیمانهای ویژه گمرکی و اقتصادی با ایران منعقد نماید و روابط تجاری و سیاسی خود را با ایران بطور چشمگیری گسترش دهد.

منبع:

- 1) Nachrichtin für Aubenhundel, 9.7. 1998.
- 2) US Government (Report to Congress on Caspian Rejion Energy Development 1997)
- 3) The State Oil Corporation of the Republic of Azerbaijan (SOCAR)

کننده گاز طبیعی پس از آمریکا، روسیه و کانادا می‌باشد.

طبق موافقتنامه‌های موجود بین ترکمنستان، ایران و ترکیه، گاز طبیعی ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه فروخته می‌شود. با وجود آنکه عملیات احداث این خط لوله بسیار پیشرفته است ایالات متحده آمریکا، از طرح انتقال گاز ترکمنستان از زیر دریای خزر به آذربایجان و از آنجا به گرجستان و سپس به ترکیه جانبداری می‌کند. اما این طرح با خطرات جدی زیست محیطی همراه و بسیار پرهزینه است.

با توجه به مطالب ذکر شده، روشن می‌گردد که کشورهای مجاور دریای خزر تا پایان دهه آینده قادر به صدور ۱/۵ تا ۳ میلیون بشکه نفت در روز خواهند بود. با توجه به کم هزینه بودن انتقال نفت از طریق ایران (۱/۵ تا ۲ دلار برای هر بشکه) و با توجه به این امر که خط لوله‌ای که از طریق ایران می‌گذرد با سرعت بیشتری نسبت به دیگر راه‌های پیشنهادی، قابل احداث است و نیز با تکیه بر این نکته که امکان حمل نفت از بنادر جنوبی ایران به کمک سوپر تانکرها میسر می‌باشد، جذابیت اقتصادی خط لوله ایران بیش از پیش آشکار می‌گردد. ضمناً خط لوله ایران خطرات زیست محیطی به همراه ندارد و علاوه بر آن می‌تواند از خطوط لوله آماده نفت در کشور استفاده کند.

قزاقستان در تعیین خط لوله اصلی نفت نقش بسیار مهمی دارد، زیرا این کشور سهم عمده را در